

ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی عصر ناصری از منظر سیاحان غربی (۱۲۲۷۵ - ۱۲۲۲۷)

جهانبخش ثواقب* / معصومه هادی** / لیلا مشکانی***

چکیده

شهر ایرانی در ایام سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به‌رغم حفظ ساختار کالبدی سنتی، در اثر آشنایی با الگوهای معماری غربی و ورود تأسیسات تمدنی جدید به کشور، به آرامی مسیر تغییر را پیش گرفت و عناصری از تجدد را در خود نمایان ساخت که در گزارش‌های سیاحان دیدارکننده از ایران بازتاب یافته است. این مقاله با رویکرد تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی با استناد به متون سفرنامه‌ای در صدد ارائه تصویری از صور کالبدی شهر در عصر ناصری از دیدگاه سیاحان غربی است و در آن، چگونگی انتقال عناصر سازه‌ای غرب به ایران در ابتدای سلطنت وی مطرح شده است؛ پدیده‌ای که به تدریج ابتدا به تحولات محتوایی شهر و سرانجام به تحولات کالبدی آن انجامید. یافته پژوهش نشان داده که شهر ایرانی این عصر با تحولات فضای کالبدی و محتوایی همراه شده است. تحولات کالبدی آن، درون‌مایه تجدد غرب را به همراه داشته و عناصر محتوایی آن، متأثر از مکتب تهران بوده است.

واژگان کلیدی

قاجاریه، عصر ناصری، شهر ایرانی، ساختار کالبدی، سیاحان غربی.

jahan_savagheb@yahoo.com

masoomhadi@yahoo.com

t00.aram@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۶

*. استاد دانشگاه لرستان.

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه لرستان.

*** کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۵

طرح مسئله

شهر از دیدگاه تاریخی، محل تصادم نیروهای همگرا و واگرای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تنوع اقلیمی، تنوع کارکردی و عناصر جغرافیایی است که ارائه تصویری جامع و مانع از آن را با موانع عدیده و گاه ناممکن مواجه ساخته است. این نیروها زمینه اصلی دگردیسی کالبدی شهر را در ازمه تاریخی مهیا می‌سازد. از نظر بیشتر پژوهشگران، شهر فضایی چند بُعدی، حاصل عملکرد انسانی - محیطی است که در مکان جغرافیایی، مفهوم و هویت خود را بازمی‌شناسد. چنین متصور می‌شود که در تاریخ شهرنشینی ایران، ساختار فضایی - کالبدی آن متأثر از تفکیک اجتماعی و هندسه قدرت بوده است. شهرهای ایران همواره در مسیر حیات خود با تحولات محتوایی و کالبدی متناسب با شرایط اجتماعی و تاریخی خود به آرامی همراه بوده‌اند. در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۴ - ۱۱۲۴ (محدوده زمانی عهد قاجار در ایران) که مقارن است با ورود روزافزون کالاهای صنعتی غربی به ایران و آشناسدن ایرانیان با تمدن نوپای اروپایی متأثر از انقلاب صنعتی، به تدریج جامعه ایرانی نیز خود را با تغییرات بالاجبار برآمده از تمدن جدید غرب، هم‌سو می‌سازد. این تغییرات نسبت به دوره‌های پیش از خود دارای مشخصه‌هایی است که بنابر ماهیت شتاب‌زده خود، ابتدا به تغییر محتوایی عاریه‌گرفته از خارج جامعه شهری و در نهایت به تغییر درونی تمامی عناصر شهری - از جمله عناصر کالبدی - منتهی گردید. چنین تغییراتی در دوره ناصری (آغاز به سال ۱۲۶۴ ق) و دوره بعد از سلطنت وی بر سرعت خود می‌افزاید و منجر به تغییرات پایه‌ای و مبنایی شهرسازی اخیر می‌گردد. به گونه‌ای که شهر تهران در این دوره در معرض بیشترین تغییرات قرار گرفتند - و تبریز کمتر از آن - تا جایی که شکل کالبدی شهر تهران تغییر کرده، بر وسعت شهر افزوده شد، جمعیت آن افزایش یافت، ساختمان‌های جدیدی به سبک غربی در آن پدید آمد، خیابان‌های بزرگی کشیده شد و ...

امروزه چنین تغییراتی، لزوم بازشناسی ساختار کالبدی شهر، مفهومی برآمده از تغییرات اجتماعی عهد قاجار را دارای اهمیت می‌سازد. این اهمیت برای پژوهش‌از آن‌رو است که تاکنون توجه به فضاهای کالبدی شهر در ادوار تاریخی آن به فراموشی سپرده شده و یا بهای ناچیزی به آن داده شده است. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، بازنمایی ابعاد کالبدی - فضایی شهر در عصر ناصری و دسته‌بندی و شناخت آن از لحاظ ساختاری و کالبدی و چگونگی تغییر در شکل عناصر شهری در این مقطع زمانی است. پرسش اصلی پژوهش آن است که ساختار کالبدی شهر ایرانی در عصر ناصری چه دگرگونی‌هایی را به خود دیده است؟ این پرسش بر این فرضیه قرار

دارد که تحولات کالبدی شهر این دوره متأثر از درون‌مایه‌های تجدد غرب - در حال گذر از ساختار سنتی به سوی تغییرات شتاب‌زده - بوده است.

این پژوهش از نوع تاریخی است که اطلاعات آن از منابع معتبر تاریخی و متن‌پژوهی و تحلیل متن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و در مرحله تبیین به شیوه توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. از میان منابع تاریخی، تکیه اصلی پژوهش بر سفرنامه‌های سیاحان غربی به‌ویژه آنان که در ایام سلطنت ناصرالدین‌شاه از ایران دیدار داشته‌اند، بوده است.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌هایی که درباره حکومت قاجاریه انجام یافته، تغییرات ساختار کالبدی شهری در این دوره مورد توجه نبوده است، هرچند درباره شهر و شهرنشینی و ویژگی‌های تاریخی آن، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی و فضاهای شهری در جامعه اسلامی و ایران، پیدایش، طراحی و برنامه‌ریزی شهر اسلامی، اجزاء و تأسیسات آن، زندگی سیاسی و اجتماعی در این شهرها، مناسبات شهر و شهرنشینی در برخی از دوره‌های تاریخی ایران، مناسبات شهرنشینی و روستانشینی، شهر سنتی ایران در دوره قاجار، بررسی برخی از وجوه شهر مانند سیاست و اقتصاد در دوره‌ای خاص، پژوهش‌های درخوری صورت گرفته است؛ نظیر: فلامکی (۱۳۵۰)، اشرف (۱۳۵۳)، سلطان‌زاده (۱۳۶۲، ۱۳۶۷، ۱۳۷۰)، عثمان (۱۳۷۶)، همبلی (۱۳۸۷)، یوسفی‌فر (۱۳۹۰)، رضوی (۱۳۹۰). اما پژوهش حاضر متفاوت از آنچه در زمینه شهر و شهرنشینی در ایران ارائه شده، به ساختار کالبدی و فضایی شهر ایرانی عصر ناصری براساس گزارش‌های سیاحان غربی دیدارکننده از ایران در این دوره پرداخته و این ساختار را در چند بخش: ساختار سیاسی - اداری، ساختار اقتصادی، اماکن مسکونی و زیرساخت‌های شهری، بررسی کرده است.

ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی در دوره قاجار

در ایران دوره اسلامی، متأثر از احکام شرعی در باب شهرسازی که متکی بر کتاب و سنت بود،^۱ فضای کالبدی شهرها شکل گرفت و افزون بر خانه‌سازی و دکان‌ها، مجموعه‌ای از تأسیسات درون‌شهری شامل کاخ و ارگ حکومتی، مساجد، بازار، کاروان‌سرا، حصارها و قلعه‌ها، پل‌ها، سدها، دروازه‌ها، گورستان‌ها، بیمارستان‌ها، حمام‌ها، مکتب‌خانه‌ها و مدارس، خانقاه‌ها و رباط‌ها،

۱. عثمان، مدینه اسلامی، ص ۳۵.

ضرابخانه، مقابر، امامزاده‌ها، آب‌انبارها، آسیاب‌ها، کتابخانه‌ها، خیابان‌ها و میدان، شبکه آبرسانی و فضلاب و ... از جمله بناهای شهرها بودند.^۱ این روند در شهرهای سنتی تا پیش از دگرگونی‌های اجتماعی جدید، معمول بود. پیدایش شهر در ایران تحت تأثیر سه عامل کلی فرهنگ (دین و مذهب)، اقتصاد (چگونگی تولید و توزیع ثروت و مصرف) و محیط یا اقلیم بوده است.^۲ ویژگی‌های اصلی شهر دوره اسلامی عبارت بود از: ۱. کارکرد سیاسی؛ یعنی شهر به‌عنوان مقر قدرت سیاسی - در وجود ارگ، دژ و حضور حکمران در شهر - تجلی می‌یافت. ۲. کارکرد دینی؛ که در کالبد مسجد جامع متجلی می‌شد. ۳. پدیده بازار؛ که کارکرد اقتصادی داشت. وجود محلات مختلف و پیروی از یک نظام برنامه‌ریزی، اندیشه‌ای برای تحقق آرمان‌ها و ایده‌آل‌های جامعه اسلامی در شکل شهر و مناسبات درونی آن بود.^۳ در برخی دیدگاه‌ها، سه رکن اساسی: مسجد جامع، بازار و مقر حکومتی، در شکل شهرهای اسلامی برجسته نشان داده شده‌اند. مسجد جامع مرکز مذهبی، سیاسی و روحانی شهر و منطقه زیر نفوذ شهر به‌شمار می‌رفت و مهم‌تر آنکه کارکردهای علمی، آموزشی و اجتماعی را دربر داشت. در کنار مسجد جامع، بناهای اصلی سیاسی شهر، که جایگاه استقرار حاکم یا نمایندگان او بود، قرار داشت. در سوی دیگر مسجد جامع و گاه در گرداگرد آن، بازار استقرار و گسترش می‌یافت. وجود این سه نهاد مهم در شکل شهر اسلامی، بازتابی از بنیان‌های اصلی زندگی اجتماعی در جامعه اسلامی بود.^۴ در شهرهای اسلامی، زندگی شهری بر چهار بنیان اجتماعی: محله، اصناف و انجمن‌های اخوت، اجتماع مذهبی یا امت و دولت، سامان‌دهی شده بود.^۵ در باب چگونگی بنیاد نهادن شهر در ایران، جیمز موریه می‌گوید: «شهرهای خود را با نقشه همسان بنیاد می‌نهند: نخست کاخ، سپس میدان، بعد مسجد و دست آخر بازار را می‌سازند.»^۶ تعریف ارائه‌شده از استخوان‌بندی شهر ایرانی، اشاره به ارکان اصلی شهر دارد

۱. ر.ک: همان، ص ۱۷۴ - ۲۱۷؛ رضوی، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، ص ۵۳ - ۴۸.

۲. یوسفی‌فر، شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران، ص ۵۴.

۳. همان، ص ۵۳.

۴. سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ص ۱۲۲؛ فلامکی، «سهم فضای معماری در زندگی سنتی ایران»، مجموعه مقالات اولین سمینار مرمت بناها و شهرهای تاریخی، ص ۱۳ - ۸؛ اشرف، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۴، ص ۲۳ - ۱۸؛ یوسفی‌فر، جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان، ص ۹۲ - ۹۱.

۵. اشرف، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۴، ص ۴۸.

۶. موریه، سفرنامه جیمز موریه، ج ۲، ص ۲۴۰.

که شامل ارگ در مرکز شهر، شارستان که حد فاصل بین باروی شهر تا ارگ حکومتی بود و خود متشکل است بر دو قسمت شار میانی و شار بیرونی و محلات که در شار میانی واقع می‌گردند و به فِرَق، اقشار، اصناف و گروه‌های اجتماعی خاص و تفکیک‌شده‌ای اختصاص داشته‌اند.

در دوره قاجار، دگرگونی چندانی در سیمای شهرها دیده نمی‌شود. بازار و هسته اصلی شهر، افزون بر نقش اقتصادی، محل تظاهر تمام اشکال و شکل‌بندی‌های اجتماعی و اقتصادی شهر است. دسترسی‌ها از بازار جدا شده و به مرکز محلات می‌رود. محلات به‌عنوان مکانی نیمه‌مستقل در شهرها مطرح است. سازمان شهری در دوره قاجار شامل: ارگ (بخش دولتی و اداری حاکم‌نشین)، بازار (مرکز خرید و فروش)، مسجدجامع و دیگر مساجد و بالاخره محلات مسکونی می‌گردد. گروه‌های صنفی در بازارهای انشعاب‌یافته از بازار اصلی استقرار داشتند. در این دوره مسجدجامع، بازار و مرکز حکومتی و فضاهای شهری جایگاه ویژه دارند. از عناصر شهری ویژه این دوره، گسترش تکایا و حسینیه‌هاست. از دیگر خصوصیات آن می‌توان مراکز اداری، سیاسی و قضایی را نام برد.^۱

تصویری اجمالی از فضای کالبدی شهر ایرانی دوره قاجار پیش از عهد ناصری؛ براساس گزارش‌های دیپلمات‌های اروپایی، مسافران و هیئت‌های مبلغان مذهبی، توسط همبلی - که از آن به شهر سنتی تعبیر می‌کند - ارائه شده است. وی برخی از گزارش‌های سیاحان اروپایی را نقل کرده است که از آنها نکاتی درباره سیمای برخی از شهرهای این دوره به‌دست می‌آید.^۲ برخی از این مسافران، شهرهای این دوره ایران را به نظر تحقیر می‌نگریستند و به‌خاطر فلاکت، کثافت و ویرانی، آنها را محکوم می‌کردند. آنها پیوسته بر وجود دیوارهای فروریخته، بناهای مخروبه و نیمه‌ویران، آثار تاریخی فراموش‌شده، خیابان‌های تنگ و کثیف، خانه‌های پست بدون پنجره با بامی مسطح، تأکید می‌نمودند.^۳

به‌رغم این‌گونه روایت‌ها، شهر قاجاری از طریق اداره شهر توسط ترکیبی از نهادهای مدنی - که محلات تاریخی، تبلور کالبدی آن بود - به چنان انسجام کالبدی دست می‌یابد که شاید پیش از این هرگز در شهر ایرانی، تجربه نشده بود. همه‌چیز از جمله فرهنگ و اقتصاد، عمران و آبادانی و نظام اجتماعی، در ارتباط با هم و بر اساس مضمون زندگی جاری شکل می‌گرفت و از همین رو،

۱. شبعه، با شهر و منطقه در ایران، ص ۲۰۸ - ۲۰۷.

۲. ر.ک: همبلی، «شهر سنتی ایران در دوره قاجاریه»، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجاریه، ص ۵۷۵ - ۵۶۵.

۳. همان، ص ۵۶۷.

تضادی لاینحل میان زندگی مردم و شهر ایجاد نمی‌گردید. نه معماری مزاحم شهر بود و نه شهر مزاحم سکونت. بنابراین می‌توان شهر قاجاری و به‌تبع آن نظام شهرسازی این دوره را تکامل مفهوم مدنیت در تاریخ شهرسازی ایران دانست که بسیاری از مفاهیم اجتماعی - مدنی آن، قابل بازشناسی است.^۱ در ادامه، این ساختار کالبدی - فضایی، براساس گزارش‌های موجود در سفرنامه‌ها ترسیم می‌شود.

ساختار اداری - سیاسی و عناصر آن

در ساختار اداری - سیاسی، تأسیساتی نظیر ارگ، برج و بارو، قصرهای سلطنتی، سفارتخانه و کنسولگری، چاپارخانه و پست دولتی، تلگرافخانه و ... بخشی از فضای کالبدی شهر را تشکیل می‌داد که در گزارش‌های سیاحان غربی عصر ناصری بازتاب یافته است. در این ساختار، تأسیسات نوین در کنار بناهای سنتی، فضای کالبدی متفاوتی از شهر سنتی پدید آورده است.

۱. ارگ

شهر عهد ناصری، ارگ را که از عناصر اصلی شهرسازی اسلامی است، به‌گونه‌ای دگرگون نسبت به دوران پیش از خود، در کالبد خویش می‌یابد. می‌توان ادعا نمود، غیر از ارگ حکومتی تهران - که قصرهای شاهی در آن واقع بود و به‌واسطه احداث عمارت‌های جدید، شکل آن دگرگون و در پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه هیچ اثر و علایمی نداشته است تا سیاحان^۲ بتوانند آن را در زمره ارگ‌های قدیمی درآوردند - ارگ‌های حکومتی در بقیه شهرها، یا در اثر مراقبت به همان حال قدیمی مانده و یا در اثر اهمال کاری و غفلت، قسمت‌هایی از آن مخروبه شده است. شهر تهران قدیم مدور بود و قریب یک فرسنگ دور آن می‌شد. بنای عمده در این شهر، ارگ و عمارت سلطنتی بود که برج و باروی محکم داشت و خندق دور آن حفر کرده بودند. دو سمت ارگ به قلعه شهر منتهی می‌شد و دو سمت دیگر متصل به شهر بود. بر روی خندق ارگ از سمت شهر پلی چوبی بود که عابرین با عبور از روی آن داخل میدان ارگ شده و به درب خانه پادشاه می‌رفتند. عمارت سلطنتی تهران بسیار وسیع بود. حیاطها و باغ‌های متعدد و حرمخانه بسیار معتبر داشت.^۳

۱. منصوری و دیگران، «بررسی نظام اجتماعی در شهرهای ایران و تبیین جایگاه محلات به‌مثابه نظام اجتماعی شکل‌دهنده به شهر قاجاری»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، ص ۹۷۰.

۲. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۴۱۴.

۳. مارکام، تاریخ ایران در دوره قاجار، ص ۳۴.

قصرهای شاهی، سفارتخانه روسیه و منازل صدراعظم و دیگر وزیران، مدرسه دارالفنون و زندانی برای حبس محکومین^۱، به همراه تالارهای بزرگ شرفیابی و سلام، کلاه‌فرنگی‌ها، گالری‌ها، باغ‌ها و استخرها^۲ از جمله قسمت‌هایی بوده که در درون ارگ شاهی در تهران قرار داشته است. تکیه دولت نیز در ارگ واقع بود.^۳ افزون بر قصرها و عمارات اختصاصی شاه، قصرها و ساختمان‌های دیگری نیز بودند که به دستگاه‌های دولتی تعلق داشت. پاره‌ای از ساختمان‌ها هم برای سکونت اشخاص مهم و مقامات درباری اختصاص داده شده بود، از جمله ساختمان معروف به سفارتخانه که مخصوص پذیرایی از سفرای خارجی بود. در قسمت غربی محله ارگ و سمت چپ خیابان اصلی آن (از جنوب به شمال)، عمارات و ساختمان‌های متعددی قرار داشتند که قسمتی از آنها برای دیوان‌خانه یا محل ادارات دولتی، از جمله دفترخانه اطاق استیفا و مستوفی‌ها و غیره، و قسمت دیگری از آنها به‌عنوان منزل مسکونی وزرا و درباریان و پاره‌ای هم برای اصطبل اسب‌های سلطنتی یا اسب‌های توپخانه اختصاص داده شده بود.^۴ شکل ارگ تقریباً چهارگوش بود و با ساخت‌وسازهایی که در آن شده بود، به دوزنقه شباهت پیدا کرده بود. به گزارش فووریه، ارگ به‌صورت مثلثی منظم در وسط تهران واقع شده بود و از شمال به خیابان مریضخانه و میدان توپخانه، از جنوب به خیابان جبه‌خانه، از مشرق به خیابان ناصریه و از مغرب به خیابان جلیل‌آباد محدود می‌شد. خیابان‌هایی که به ارگ منتهی می‌گشت به‌وسیله دروازه‌هایی محافظت می‌شدند و هرگاه که قراولان محافظ، دروازه‌ها را می‌بستند، ارتباط ارگ و شهر قطع می‌شد. در بالای سردری که به میدان ارگ راه داشت، نقاره‌خانه قرار گرفته بود. در وسط میدان ارگ یا میدان شاه، توپ مروارید مستقر بود.^۵

به‌واسطه احداث موزه،^۶ کاخ‌های شمس‌العماره، بادگیر و دیگر ساختمان‌هایی که ناصرالدین‌شاه در درون ارگ تهران برآورد، قسمت‌هایی از دیواره‌های ارگ را خراب کرده و به محیط آن افزودند؛ این اقدام موجب شد که خندق اطراف ارگ و توپ‌های تعبیه‌شده در باروهای آن، که در گذشته به‌عنوان محافظ ارگ کاربرد داشتند، از کارایی افتادند و به گزارش یکی از

۱. پولاک، سفرنامه پولاک، ص ۷۱.

۲. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۷۸.

۳. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۹۰.

۴. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۷۸.

۵. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۹۵ - ۱۹۴.

۶. همان، ص ۲۱۱ - ۲۰۹.

سیاحان؛ خندق پر شده بود و توپها را به قورخانه منتقل کرده بودند.^۱ حصارهای کهنه و بلند ارگ در قسمت‌هایی که بنای تازه‌ای نشده بود، همچنان برپا بود. قصر سلطنتی نیز که نصف ارگ را گرفته بود، در وسط این حصار ساخته شده بود.^۲ در باب ارگ‌های حکومتی در دیگر شهرها نیز اگر از خرابی‌هایی که بر سر ارگ حکومتی آمده است، سخن نرانده باشند،^۳ تنها به این ختم می‌شده است که از ارگ‌های قدیمی و تاریخ بنا و قدمت و آثار تزئینی آنها یاد می‌کردند.

۲. برج و بارو

شهرها در زمان ناصرالدین‌شاه نیز همچون دوران گذشته، محصور در دیوارهای شهر بودند و بدین طریق خود را از دست تعدیاتی که از بیرون بر آن وارد می‌شده، مصون می‌داشته‌اند. خشت خام و ملاط کاهگل همچنان مصالح اصلی ساخت این شهرها بوده است. بارو در تمامی اطراف شهر کشیده می‌شد و در آن برج‌هایی برای نگهبانی و دروازه‌هایی برای آمدوشد تعبیه می‌کردند. اگرچه شکل باروی بسیاری از شهرها مانند «دایره تمامی» بوده،^۴ ولی در بعضی شهرها نیز به واسطه ساخت‌وسازهایی که همواره انجام می‌شده و خرابی‌هایی که به‌وقوع می‌پیوسته، شهر از حالت دایره‌وارگی خود خارج شده و به شکلی دیگر درمی‌آمده است. برج‌ها را اغلب محکم‌تر می‌ساختند و گاه‌گاهی از آجر در بنای آنها استفاده می‌کرده‌اند. در دروازه‌های شهر نیز گاه از آجرهای مینایی استفاده کرده و آنها را تزئین می‌نموده‌اند.^۵ برای مستحکم‌تر کردن زمینه دفاعی شهر، در پای دیوار بیرونی، خندقی حفر می‌کردند و در آن آب جاری می‌نمودند تا مانع دسترسی دشمنان به دیوارها بشوند. بلندی حصارها به‌طور متوسط ۷ تا ۸ متر بوده است.^۶ خندق در حقیقت وسیله دفاعی و حفاظی برای شهر به‌شمار می‌رفت. پس از خندق، حصار و دیوار بلند خاکی شهر وجود داشت که در هر پنج‌جاه یا شصت متر دارای یک برج بود که در آنها توپ‌ها را مستقر کرده و افراد پیاده هم می‌توانستند در آنها مستقر شده و از سوراخ‌های برج‌ها مهاجم را زیر آتش خود قرار دهند. تهران دارای شش دروازه بزرگ بود. در اطراف هر دروازه دو برج مستحکم و بزرگ دژمانند وجود داشت که از آجر و سنگ‌های الوان

۱. اورسل، سفرنامه اورسل، ص ۱۴۸.

۲. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۹۵.

۳. دیولافوا، سفرنامه مادام دیولافوا، ص ۲۲۰ - ۲۱۹.

۴. همان، ص ۲۳۱.

۵. موزر، سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)، ص ۲۴۰.

۶. براون، یک سال در میان ایرانیان، ص ۱۰۵.

ساخته شده بود و با انواع کاشی‌های خوش‌رنگ تزیین شده بود.^۱ میان دروازه‌های تعبیه شده در باروها و محلات شهر نسبتی کارکردی برقرار بوده و هر محله با دروازه مخصوص به خود با بیرون از شهر مرتبط بوده است. چریکف در باب رابطه دروازه و محلات، شهر همدان را مبنای قیاس گرفته و گفته هر دروازه مخصوص یک محله بوده و هنگام اغتشاش، دروازه‌ها را می‌بستند. این دروازه‌ها برای ساکنان فوایدی داشت و بیشتر شهرهای ایران به همین نحو دروازه‌ها را تعبیه می‌کردند.^۲

لازم به تأکید است که برج و باروی شهر از آغاز دوره ناصری رو به تخریب نهاد. این تخریب ابتدا در تهران با اقدام ناصرالدین‌شاه در ۱۲۸۴ق. برای توسعه این شهر رخ داد که به واسطه افزایش جمعیت آن، این توسعه به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌آمد. دست‌اندرکاران و کارگزاران، تمام برج‌ها و باروها و استحکامات دفاعی سابق را خراب و خندق را پر کردند و مساحت شهر را افزایش دادند.^۳ از این تاریخ به بعد، برج و بارو در تمام شهرها از اهمیت و اعتبار خود خارج می‌گردد و شهرسازی عهد پهلوی نیز در تسریع روند آن مؤثر بود.



تصویر ۲: نمایی از دروازه قرآن شیراز



تصویر ۱: نمایی از ارگ شهر مشهد^۴

۳. قصرهای سلطنتی

ایجاد قصر از مظاهر قدرت سلاطین در ادوار تاریخی محسوب می‌گردیده و پادشاهان قدرتمند به سنت معمول، برای نشان دادن قدرت حکومت خویش، در ایجاد قصرهایی رفیع کوشش

۱. پروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.
۲. چریکف، سیاحتنامه مسیو چریکف، ص ۹۸.
۳. اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار، ج ۱، ص ۵۳، ۸۸، ۸۹ و ۱۰۴.
۴. عکس‌هایی که در مقاله آمده مستخرج از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است، حد فاصل سال‌های ۱۲۷۵ - ۱۲۲۵.

فراوان می‌کردند. در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه، اهتمام کمتری به قصر جدید می‌شد و تنها تعداد اندکی قصر در محدوده ارگ شاهی تهران و تعدادی در بیرون از آن ایجاد شد. در سایر شهرها نیز کمتر ذکری از قصرهای جدید به میان آمده و حکام ولایات، که معمولاً از فرزندان و خویشاوندان شاه بوده و یا افرادی مرفه‌الحال بودند، بیشتر در همان قصرهای قدیمی به سر می‌بردند. قصر ناصرالدین‌شاه بیش از نیمی از محیط ارگ شاهی (نگارستان) را دربر می‌گرفت. قسمتی از قصر که اندرونی گفته می‌شد، متعلق به حرم شاهی بود و ورود و خروج به آن برای دیگران ممنوع بود. قسمتی دیگر از نگارستان در زمان فتحعلی‌شاه ساخته شده بود که به صورت چند برج دایره‌وار ساختمان‌های آن را برآورده و در ساخت این قسمت و تزئین داخل آن، شیوه اروپایی به کار گرفته بودند.^۱ حیاط بزرگ اندرونی، باغچه‌هایی مربع‌شکل با درخت‌های چنار بلند داشت و در وسط آن، عمارت دوطبقه‌ای به نام خوابگاه برای استراحت شبانه شاه بود. عمارت خوابگاه مربع‌شکل و بر روی زمین کم‌ارتفاعی ساخته شده بود. دورادور آن، غلام‌گردشی با ستون‌های عدیده بود و توسط پلکانی به طبقه اول راه داشت. در جلوی آن، سردری به شکل طاق و دارای پلکانی مرمری با پانزده پله در وسط آن، بنا شده بود. عمارت خوابگاه از بالا منتهی می‌شد به بامی مسطح و چهار طرف عمارت با حجاری و سرستون‌های گچی و نقوش گچ‌بری تزئین شده بود.^۲

قسمت بیرونی قصر سلطنتی - به نام گلستان - مرکب از چند عمارت بود که شاه بر حسب عادت، روز را در یکی از این عمارت‌ها سر می‌کرد. گلستان، باغ وسیع تقریباً مربع‌شکلی بود که درخت‌های مختلف داشت و در همه فصول گل‌کاری شده بود. چند حوض بزرگ نیز داشت که هوای باغ را خنک نگاه می‌داشت.^۳ در اطراف باغ گلستان، چندین عمارت ساخته بودند؛ نظیر: عمارت موزه در جهت شمالی، شمس‌العماره در مشرق، عمارت بادگیر (به سبب وجود چهار بادگیر در چهار طرف آن به شکل برج، به این نام معروف بود) در جنوب و عمارتی که به تازگی به سبک معماری عهد لویی شانزدهم در سمت مغرب بنا شده بود. این عمارت به وسیله بناهای کم‌اهمیت‌تری به همدیگر مرتبط می‌شدند و بر دیوار آنها تصویر سربازانی تفنگ به دوش را نقاشی کرده بودند.^۴ سمت چپ قصر گلستان، قوشخانه بود که در این زمان متروک افتاده بود و سمت راست آن زین‌خانه قرار داشت که پر از زین و یراق بود. نمای جلوی آن عریض بود و پنجره‌های

۱. اورسل، سفرنامه اورسل، ص ۲۱۵؛ شیل، خاطرات لیدی شیل، ص ۱۰۵؛ فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۳۸.

۲. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۰۲ - ۲۰۱.

۳. همان، ص ۱۹۵.

۴. همان، ص ۱۹۶.

شیشه‌ای داشت و متوجه باغ گلستان بود، ولی پلکان مرمر آن در داخل حیاطی بود، که در آن در طرف راست عمارت باز می‌شد. در انتهای همین حیاط، کارخانه‌های الماس تراشی سلطنتی قرار داشت. در عمارت بادگیر تعدادی مجالس نقاشی جالب، کار هنرمندان ایرانی وجود داشت.^۱ عمارت رفیع شمس‌العماره که با دو برج در انتهای گلستان ساخته شده بود و بر شهر تهران اشراف داشت، روبه‌روی بازار واقع شده بود و محلی برای نظاره جمعیت بود که به سبکی اروپایی بنا نهاده شده بود. در کنار برج‌ها دو غرفه مزین به کاشی‌کاری‌های زیبا و برخوردار از تعدادی پنجره مشبک آجری بنا شده بود. ایوانی به سبک ایتالیایی در آن تدارک دیده بودند که به‌وسیله پلکانی به یک استخر ختم می‌شده است.^۲ اطاق‌های شمس‌العماره مخصوص اهل حرم بوده^۳ و کرزن به‌اشتباه این نظر را رد کرده است.^۴ جلوی در بزرگ عمارت شمالی، جلوخانی بود دارای دو ردیف ستون که روی آنها بالاخانه‌ای ساخته بودند. طرف چپ آن، موزه و در طرف راست اطاق‌هایی قرار داشت که بزرگ‌ترین آنها را اطاق الماس می‌گفتند و سراسر آینه‌کاری بود. پایین‌تر از این اطاق، نارنجستان، باغی دراز و زمستانی، قرار داشت که در آن درخت‌های نارنج بسیار پرورده بودند و نهر آب زلالی در مجرای آن از مرمر آرام آرام از میان آن می‌گذشت^۵ و لطافت دلپذیری به آن می‌داد. نارنجستان دارای یک تالار بزرگ بود که قسمت‌هایی از دیوار آن را با مرمر سبز پوشانده و بر آنها حاشیه‌هایی از طلا کار نهاده و کف آن را با کاشی‌های آبی مفروش کرده بودند.^۶ در مجموعه قصر سلطنتی ناصرالدین‌شاه، عمارت منفردی در میان باغ به نام تخت‌خانه بنا شده بود که تخت معروف مرمر نیز در آنجا بود و سلام مخصوص شاهانه در این عمارت برگزار می‌شد. تالاری که این تخت در آن قرار داشت چنان بزرگ بود که از جهت ارتفاع با قصر سلطنتی هم‌دوش و جلوی آن به‌کلی باز و متکی به دو ستون بلند ماریچی شکل بود که آنها را با گل و بوته‌های کمرنگ ظریفی مزین ساخته بودند.^۷

۴. سفارتخانه و کنسولگری

در پی آمدوشدهای سفرای خارجی و ایرانی به دربارهای یکدیگر و مقیم شدن هیئت سفارت‌های

۱. همان، ص ۱۹۹ - ۱۹۸.

۲. همان، ص ۱۹۸ - ۱۹۷؛ کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۴۳۱.

۳. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۹۸.

۴. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۴۳۲ - ۴۳۱.

۵. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۹۷ و ۲۰۱.

۶. اورسل، سفرنامه اورسل، ص ۱۵۷.

۷. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۷۷.

خارجی در تهران در دوره پیش از ناصرالدین شاه، سفارتخانه‌هایی به آنها اختصاص داده شد ولی کار اصلی سفارتخانه‌ها و افزایش تعداد سفارتخانه‌های دول کامله‌الوداد در تهران با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نضج گرفت. در اوایل سلطنت وی کشورهایی چون روسیه، انگلستان، فرانسه و عثمانی و دولت پروس دارای سفارتخانه در تهران بودند؛ هرچند طولی نکشید که هیئت سفارت پروس به وین فراخوانده شد.^۱ در همین دوران بود که برای نخستین بار بر شمار و فعالیت کنسولگری‌های دول خارجی در شهرهای ایران افزوده شد. فووریه از فعالیت سفارتخانه‌های فرانسه و انگلیس صحبت کرده است.^۲

عنصر دیگر سیاسی کالبد شهرها، کنسولگری‌هایی بودند که با بیشتر شدن روابط ایران و کشورهای غربی، در بسیاری از شهرهای ایران دایر گردیدند. بسیاری از این کنسولگری‌ها به تجار و اتباع کشورهای اروپایی در خاک ایران خدمات ارائه می‌دادند و به‌عنوان پناهگاه آنها محسوب می‌شدند. گاه آنها را به‌گونه‌ای بزرگ دیده و قابل ستایش یافته‌اند که از آنها به‌عنوان «شهر کوچکی»^۳ یاد کرده و گاهی تأسیس آنها را «مبدأ دوره جدیدی برای تاریخ شهری»^۴ دانسته‌اند. ساختمانی که اختصاص به سکونت سفیر روس و اعضای سفارت و قزاق‌های محافظ آنها داشت، در شمال ارگ واقع بود. پس از واقعه قتل گریبایدوف - سفیر وقت روس - به دست مردم، دولت موافقت کرد که برای اقامت، محلی را در داخل ارگ در اختیار سفیر روس قرار دهد که نظیر چنین واقعه‌ای دیگر روی ندهد.^۵

۵. چاپارخانه، پست دولتی و تلگرافخانه

در فضای کالبدی شهر دوره قاجار، چاپارخانه و تأسیسات جدیدی نظیر پُست و تلگرافخانه نیز شکل گرفتند. مهم‌ترین رسالت محوله به چاپارخانه‌ها، حمل محموله‌های پستی دولتی و فرمان‌های دربار، از پایتخت به شهرهای دیگر و در سوی دیگر، حمل محموله‌ها از مراکز شهری به پایتخت بود. چاپارخانه‌ها از دیواری خشتی ساخته می‌شد و یک حیاط چهارگوش در کنار آنها قرار داشت، سردری بیضوی شکل داشت و در دو طرف در ورودی، اتاق‌هایی تعبیه شده بود که

۱. پولاک، سفرنامه پولاک، ص ۲۹۷؛ بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۲۷۶.

۲. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۳۷ - ۲۳۶.

۳. گویننو، نامه‌های ایرانی، ص ۹۸.

۴. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۲۱۲.

۵. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۷۸.

چهارپایان در آنها به استراحت بپردازند.^۱ اداره پستی که امیرکبیر در جنب چاپارخانه دولتی در پایتخت و دیگر شهرها به وجود آورد، کار ارتباط دولت با مراکز شهری، کنسول‌خانه‌ها، سفارتخانه‌ها و کشورهای اروپایی را تسهیل و تسریع بخشید. در نتیجه ایجاد پست و چاپارخانه، بسته‌ها و نامه‌های پستی از اروپا به سفارتخانه‌ها و کنسول‌خانه‌ها ارسال می‌گردید.^۲

تلگراف نیز از عناصر جدید الگو گرفته از غرب بود که به اهتمام انگلستان به هدف ارتباط با سرزمین‌های مستعمره خود، در ایران ایجاد شد. این پدیده جدید در ایران، اهداف دربار را در برقراری ارتباط سریع‌تر مرکز با ایالات و ولایات، تقویت تمرکز حکومتی و سرکوب اقدامات ضد دولتی میسر ساخت. از این رو، تلگراف برقی در زمره آن دسته از عناصر تمدن جدید غرب بود که خیلی زود مورد توجه دربار شاهی ایران قرار گرفت. تسریع در ارسال اخبار به اقصی نقاط حکومت ناصری، این حکومت را بر آن داشت تا به سرعت درصدد ایجاد تلگراف‌خانه در ایران برآید. در سال‌های اولیه سلطنت ناصرالدین شاه، در شهر تهران «نخستین خط تلگراف بین شهر و قصر شاه کشیده شد.»^۳ با ایجاد ساختمان‌های تلگراف‌خانه‌ها در شهرها، این بنا نیز در فضای کالبدی شهر ایرانی نمایان شد و در کنار سایر بناهای سنتی، توجه سیاحان را به خود جلب کرد و در نوشته‌های خویش از آن یاد کرده‌اند.



تصویر ۴: نمایی از ساختمان تلگراف‌خانه چاه‌بهار

تصویر ۳: نمایی از چاپارخانه میبد

ساختار اقتصادی و عناصر آن

فضای کالبدی شهر ایرانی عصر ناصری، در بُعد ساختار اقتصادی شامل بازار، کاروان‌سرا و بانک بوده است.

۱. اورسل، سفرنامه اورسل، ص ۳۲.

۲. ر.ک: شیل، خاطرات لیدی شیل، ص ۶۵؛ اورسل، سفرنامه اورسل، ص ۱۱۴.

۳. پولاک، سفرنامه پولاک، ص ۲۱۹.

۱. بازار

تحولات ساختارهای کالبدی و اجتماعی - که در ابتدای عصر قاجار، شکلی آرام و در اواخر این دوره و دوران بعد، شتاب فزون‌تری به خود گرفت باعث - اُفت نقش بازار و در مواردی فروپاشی کانونی‌ترین عنصر شهر سنتی ایران گردید. آنچه مشخص است دوران قاجار در ابعاد کالبدی عصر بالنسبه پرتحرکی در توسعه ساختار بازار است. در اواسط این دوره مقارن با سلطنت ناصرالدین‌شاه و دوران پس از آن، استقرار عناصر ناسازگار با شرایط کالبدی بازارها، باعث تغییر در عملکرد مرکزیت بازار و بدل شدن آن به عنصر حاشیه‌ای شهر می‌شود. در این باره سفرنامه‌ها ضمن برشمردن ویژگی‌ها و عناصر کالبدی بازارها، زمینه تغییر شکل و در نهایت تغییر عملکرد آن را از دیدگاه تاریخی مورد توجه قرار داده‌اند. در توصیف بازار و نقش آن در شهر عهد قاجار آمده است که بازارها دالان‌های بلندی بودند با سقف‌های قوس‌دار که در دو طرف آنها مغازه‌هایی تعبیه شده بود.

از این بازارها راه‌هایی به کاروان‌سراها باز می‌شد که مقر عمده‌فروشان بود. پیش از آن، بازارها و کاروان‌سراها هم تنگ و هم کوتاه بودند تا آنکه در زمان وزارت میرزا تقی‌خان فراهانی بازار وسیع امیر با کاروان‌سراهای آن مجهز به وسایل و اثاث مجلل؛ با حیاط‌ها و باغچه‌های بزرگ و باشکوه ساخته شد و بعد از قصر سلطنتی بسیار دیدنی بود. به دنبال این بازار، بازارهای دیگری که از نظر زیبایی در درجات بعد قرار داشتند، ساخته شد، یا در خیابان‌های دورتر واقع گردیدند. به موجب یک رسم قدیم، پیشه‌وران یک رشته خاص، بخشی از بازار را در اختیار داشتند.^۱ همچنین بازرگانان اهل یک شهر معین صنعتی، مثلاً یزد، کاشان، کرمان و غیره در کاروان‌سرای معینی سکونت می‌گرفتند. گاه نیز کسبه متفرق یک شهر خاص از طرف حکومت به سکونت در نقطه مشترک مجبور می‌شدند؛ مانند آنچه که برای رشته کفشان و کلاه‌دوزان اتفاق افتاد.^۲ این توصیف که در نیمه اول سلطنت ناصرالدین‌شاه از بازار تهران ارائه شده، خود گویای شکل بازار، تغییرات در آن، وجود اصناف و نقش دولت در بازار است. مستندات وجود دارد که بروز تغییرات در شهرها را تأیید می‌کند.^۳

۱. دیولافوا، سفرنامه مادام دیولافوا، ص ۸۷.

۲. پولاک، سفرنامه پولاک، ص ۶۶؛ بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۷۶.

۳. ر.ک: بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۴۶۰؛ وامبری، زندگی و سفرهای وامبری، ص ۲۶۸؛ گوینو، نامه‌های ایرانی، ص ۱۹۶؛ براون، یک سال در میان ایرانیان، ص ۴۵۵ - ۴۵۳.

تفاوت‌هایی که بازار شهرهایی چون شیراز^۱ و اصفهان^۲ با بازار تهران داشته‌اند، مربوط به شکل بنای بازارها بوده که کم‌وبیش قدیمی و یادگار دوران رونق صفوی و زندیه بوده‌اند؛ و یا رونق آنها به واسطه تولیدات صنعتی بوده که در ایران روزبه‌روز کمتر می‌شده است.

طیب فرنگی ناصرالدین‌شاه، از بازار طاق‌دار تهران یاد کرده که دالان‌های عریض و طویل آن با پیچ‌وخم‌هایش موجب می‌شد که مسافر اروپایی ناشناس بدون راهنما در آن گم شود. این طاق‌های سقف‌دار، عابرین و کسبه را در تابستان از شدت آفتاب و در زمستان از برف و باران حفظ می‌کرد. در نتیجه، بازار در تابستان خنک و در زمستان از نفوذ سرمای بی‌حساب در امان بود. از بازار اصلی، بازارهای دیگری منشعب می‌شد و انتهای آن به یک میدان یا کاروان‌سرای می‌رسید که آنجا بارهای تجارتهای را روی هم انبار می‌کردند. تمام ایام سال و در هر ساعت از روز، این بازارها پر از جمعیت بود و شترها و قاطرهایی که بار داشتند، از آنجا می‌گذشتند. در بازار نماینده هر نوع شغل و تجارت و صنفی، در محل‌های مخصوص به خود استقرار داشتند. در دو طرف فضای بازار، دکان و مغازه‌هایی ساخته شده بود که پر از کالا بودند. در کنار هریک از این دکان‌ها کارگرانی به حرفه خود مشغول بودند. افراد اروپایی در بازار تهران در برابر قالی‌ها، پارچه‌ها، انواع اسلحه، اشیاء عتیقه، کتاب‌های تذهیب‌شده و ظروف طلاکاری به تماشا می‌ایستادند و اگر طالب خرید بودند، بهتر از بازار تهران جایی را نمی‌یافتند.^۳

۲. کاروان‌سرا

از نماهای دیگر شهر عصر قاجار، کاروان‌سراهای درون‌شهری است که سابقه بنای آن به عهد صفوی بازمی‌گردد. گاه مکانی برای عرضه مال‌التجاره بازرگانان محسوب گشته و گاه به‌دلیل نبود مسافرخانه جهت اقامت مسافران، از آنها به‌عنوان اقامتگاه مسافران استفاده می‌شده است. در آنجا مکان‌هایی برای پخت‌وپز موجود بوده است. وامبری یکی از کاروان‌سراهای داخل شهر را این‌چنین توصیف کرده است:

در غالب اوقات دقیقاً در مرکز بازاری و معمولاً عمارت مربع‌شکلی هستند که هر ضلع آن به تعدادی حجره معین تقسیم می‌شود. هریک دری نیم‌مدور دارد که هم در

۱. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۴۶۰؛ کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۱۲۲.

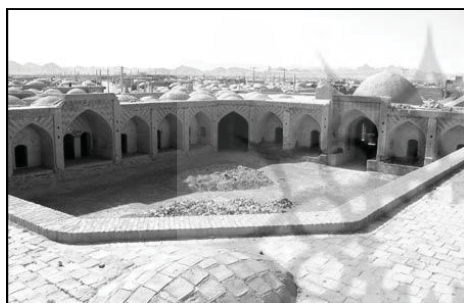
۲. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۵۱.

۳. فوریه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۳۰ - ۲۲۸؛ بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۷۶.

است و هم پنجره و به فضای ایوان‌مانندی باز می‌شود که از سطح زمین بالاتر است و دورتادور بنا امتداد می‌یابد. اصطبل‌ها در زیر ایوان قرار دارد تا مسافر که در طبقه بالا اقامت می‌کند بتواند اسب خود را در طبقه همکف زمین تیمار کند.^۱

پولاک نیز در توصیف یکی از کاروان‌سراها نوشته است:

همه چهارگوش است و سردری مقوس دارد که بر بالای آن شاه‌نشینی تعبیه کرده‌اند ... پس از گذشتن از دروازه به صحن حیاطی می‌رسیم که چهارگوش است. در وسط حیاط سکویی هست که معمولاً باربران بارهای خود را در آنجا می‌گذارند ولی اغلب زیر آنها آب‌انبار است. دورتادور صحن حیاط غرفه‌های کوچکی است که ایوانی آنها را به هم مربوط می‌کند و در هر کدام اجاقی برای تهیه و پخت‌وپز غذا تعبیه شده است. در پشت ساختمان، اصطبل‌ها و انبارها قرار دارد. در سراسر این بنا به‌هیچ‌روی چوب به کار برده نشده است؛ یکی از آن جهت که از خطر حریق اجتناب کنند و دیگری از آن‌رو که چوب‌ها را می‌شکنند تا برای سوخت مصرف کنند. در نتیجه در کاروان‌سراها از در و پنجره خبری نیست.^۲



تصویر ۶: کاروان‌سرای فخرآباد بجهستان



تصویر ۵: نمایی از بازار تهران

۳. بانک

صرافی در تاریخ اسلامی ایران مکانی بوده که کار مبادله و تبدیل برات‌ها را بر عهده داشته است. این شیوه چه پیش از دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و چه در چهار دهه از سلطنت وی، برقرار بوده است تا اینکه «در سال ۱۸۸۸ م / ۱۳۰۶ ق بانک جدید خاور درصدد برآمد که ایران را در حوزه عملیات آسیایی خود وارد سازد و شعب نمایندگی در تهران، مشهد، تبریز، رشت، اصفهان، شیراز و

۱. وامبری، زندگی و سفرهای وامبری، ص ۵۶.

۲. پولاک، سفرنامه پولاک، ص ۳۰۴.

بوشهر باز کرد.»^۱ وجود شعبات این بانک در شهرهای فوق موجب گردید که مردم شهرنشین به صورت تدریجی با کارکردهای بانک آشنا شده، به درک و دریافتی ناقص و جزئی از نحوه گردش پول و شیوه و منافع پس انداز دست یابند. پس از گذشت دو سال از عملیات این بانک، امتیازنامه عملیات و شعبات بانک در شهرهای مختلف، از سوی بانک شاهنشاهی ایران - که در سال ۱۸۹۱ م / ۱۳۰۹ ق از طرف ناصرالدین شاه در قبال تأدیه خسارت بارون جولپوس رویتز به او اعطا شده بود - خریداری شد.

بدین ترتیب در تهران و دیگر شهرها شعبات بانکی احداث گردید و «در سال ۱۸۹۰ م / ۱۳۰۸ ق اسکناس های جدید با خط فارسی و علامت شیر و خورشید در یک طرف و عبارت انگلیسی و عکس شاه در سمت دیگر با ارزش یک تومان تا هزار تومان»^۲ منتشر شد. با تأسیس بانک در ایران، این بنا به عنوان تأسیساتی جدید در فضای کالبدی شهر عصر ناصری نمایان شد و در گزارش های سیاحان از آن یاد شده است. ساختمان های بانک شاهنشاهی انگلیس و بانک استقراضی روس در تهران از این نمونه اند. در سیمای شهرهای سنتی ایران، چنین بنایی وجود نداشته است. این قاعده شامل دیگر مؤسسات تمدنی جدید نیز می شود.



صویر ۸: نمایی از بانک شاهی، میدان توپخانه



تصویر ۷: نمایی از بانک استقراضی روس

اماکن مسکونی - عمومی و زیرساخت های شهری

بخش دیگری از فضای کالبدی و معماری شهر ایرانی عصر ناصری را اماکن عمومی، منازل و زیرساخت های شهری مانند شبکه آبرسانی تشکیل می داد. سیاحان غربی دیدارکننده از ایران به این بخش نیز توجه کرده و در گزارش های خود به توصیف آن پرداخته اند.

۱. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۶۱۴

۲. همان، ص ۶۲۰

۱. خیابان، محله، کوچه، میدان

در عصر قاجاریه، شهرهای کشور و از جمله تهران به محله‌هایی تقسیم شده بودند و در رأس هر محله‌ای یک کدخدا قرار داشت که امور آنجا را عهده‌دار بود. بازارها هر کدام داروغه‌ای داشت. داروغه‌ها و کدخداها افراد خود را به گشت در قسمت‌های مختلف تحت فرمان خود می‌فرستادند تا همه‌جا را زیر نظر داشته باشند و بازرسی کنند.^۱ توصیف سیاحان از نظام محلات شهرهای عصر ناصری به‌گونه‌ای است که بیشتر آنان در سفرنامه‌های خود، کوچه و خیابان شهرها را غالباً کثیف و پرپیچ‌وخم دیده‌اند.^۲ به سبب ناهموار بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها و ناامن بودن در شب، مأموران پلیس به مردم تهران اخطار می‌کردند که برای حفظ امنیت خود، شب‌ها بدون فانوس از منزل خارج نشوند.^۳ در آن عصر در کمتر شهری دست به تعمیر، احداث و یا خیابان‌سازی می‌زدند. تهران به‌عنوان پایتخت در این زمینه یک استثناء بود. در تهران با افزوده شدن شمار ساکنان شهر، طبیعی می‌نمود که بر وسعت شهر افزوده شود و ساخت‌وسازهایی در معابر عمومی به انجام برسد. این جریان در نیمه دوم سلطنت ناصرالدین‌شاه شتاب بیشتری گرفته و تغییرات اساسی در کالبد شهری رخ نمود.^۴ بیشتر این تغییرات در قسمت شمالی شهر، که محل استقرار اعیان و سفارتخانه‌های خارجی بود، صورت پذیرفت.^۵ به‌موجب این امر ناچار باید دیوارهایی که شهر را محصور کرده بودند، ویران گردیده و از فضای بیرون بر محیط شهر افزوده شود. محلات جدیدی احداث گردید و خیابان‌های طولی در شهر پدیدار گشت. تا پیش از این تغییرات اساسی، تهران به چهار محله بزرگ به نام‌های عودلاجان در شرق، سنگلج در غرب، بازار در جنوب (شامل بازارها و کاروان‌سراهای تهران) و چاله‌میدان در جنوب شرق تقسیم می‌گردیده و این غیر از محله ارگ شاهی و متعلقات منضم به آن بوده است که از محلات دیگر جدا بود. محله ارگ که آن را «ارگ مبارک سلطانی» می‌نامیدند، تقریباً در شمال شهر واقع شده بود.^۶ خیابان‌های نوین را به‌نحوی طراحی کرده بودند که قسمت وسط برای عبور و مرور عابران و کالسکه‌ها باشد

۱. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۲۷۳ - ۲۷۲.
۲. پولاک، سفرنامه پولاک، ص ۷۴؛ گوینو، نامه‌های ایرانی، ص ۱۹۶؛ اورسل، سفرنامه اورسل، ص ۱۲۱؛ دیولافوا، سفرنامه مادام دیولافوا، ص ۲۵۱؛ فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۲۴ و ۲۳۰.
۳. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۲۶۶؛ کورف، سفرنامه بارون فیودور کورف (۱۸۳۵ - ۱۸۳۴)، ص ۲۰۷.
۴. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۴۰۵.
۵. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۲۷.
۶. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۷۶.

و قسمت‌های اطراف را مختص حیوانات بارکش گردانیده بودند.^۱ کوچه‌ها و خیابان‌های عریض و وسیع^۲ به شکل‌های نوین احداث و همه خیابان‌های جدید را سنگفرش کرده بودند و خیابانی که محل زندگی اروپایی‌ها و چند سفارتخانه خارجی بود، شب‌ها به وسیله چراغ‌هایی روشن نگه داشته می‌شدند.^۳ عده‌ای از اعیان تهرانی در طرف مغرب شهر یعنی در محله سنگلیج و اراضی بین دروازه قزوین و دروازه باغ شاه، پارک‌ها و باغ‌های بزرگی ساخته بودند که یکی از آنها به نام امیریه و متعلق به نایب‌السلطنه بود.^۴ از نظر فضاهای باز و میدان‌های وسیع، تهران دچار کمبود بوده است. بزرگ‌ترین و زیباترین این میداين، «سبزه‌میدان» بود که در فاصله کمی از دروازه ارگ واقع شده بود و در وسط آن حوض آب بزرگی وجود داشت. از دروازه زیبایی که در این میدان قرار داشت، راهی به خیابانی در محله ارگ منتهی می‌شد که آن خیابان به میدان توپخانه در شمال ارگ می‌پیوست. بین خیابان و میدان توپخانه سردر و دروازه‌ای بود که می‌بایست از زیر آن می‌گذشتند. در بالاخانه این سردر، نقاره‌خانه قرار داشت که هنگام غروب، نقاره‌چی‌ها در آن می‌نواختند. از میدان توپخانه که در سه طرف آن توپ‌های بزرگ و کوچک قرار داشت، خیابان‌های متعددی به نواحی مختلف شهر منشعب می‌شد که از همه آنها مهم‌تر خیابانی بود که به دروازه دولت می‌پیوست.^۵

دکتر فوریه در دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه، در این باره به تفصیل توصیفی از وضعیت ابنیه، بازار، محلات، میداين و خیابان‌های تهران، موقعیت و مختصات مکانی آنها ارائه داده است و در آن به ارگ شهر، میدان توپخانه و شش دروازه آن به جهات مختلف، خیابان‌های شهر (نظیر الماسیه، ناصریه، چراغ‌گاز، مریض‌خانه، سیف‌الدوله، شمس‌العماره، جبه‌خانه)، بازار و محلات قدیمی شهر، دروازه شمیران، ایستگاه راه‌آهن، شاه‌عبدالعظیم، محل استقرار سفارتخانه‌های خارجی، قسمت‌های قدیم و جدید شهر، عمارت صدر اعظم، باغ لاله‌زار، عمارت و ابنیه جهانگیرخان وزیر صنایع، باغ بزرگ امین‌السلطان، عمارت بهارستان، مدرسه سپهسالار، میدان بهارستان، منزل شاهزاده ظل‌السلطان، پارک امین‌الدوله، خانه اعتمادالسلطنه، قبرستان قدیمی شهر، میدان مشق، میدان قاپوق، میدان مال‌فروش‌ها، محله یهودی‌ها، محله بازار، سبزه‌میدان، وضعیت محلات و کوچه‌ها پرداخته است.^۶

۱. سرنا، سفرنامه کارلا سرنا، ص ۴۱.

۲. فوریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۷۷ و ۲۲۷؛ براون، یک سال در میان ایرانیان، ص ۱۲۴.

۳. ویلز، سفرنامه دکتر ویلز، ص ۴۰۴؛ کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۴۰۷.

۴. فوریه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۳۱.

۵. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۷۷ - ۱۷۶.

۶. فوریه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۲۸ - ۲۲۶.

سیاحان غربی در توصیف شهرها از مراکز آموزشی و مذهبی آنها نیز یاد کرده‌اند. برای نمونه در تهران عصر ناصری از ۱۷ مدرسه و ۱۱ مسجد بزرگ و چهار امامزاده که زیارتگاه مردم بوده‌اند، یاد شده است: محله سنگلج ۶ مدرسه و ۲ مسجد؛ محله بازار ۵ مدرسه و ۴ مسجد؛ محله عودلاجان ۴ مدرسه و ۳ مسجد؛ محله ارگ ۲ مدرسه و ۱ مسجد؛ محله چاله میدان ۱ مسجد بدون مدرسه.^۱ همچنین اشاره شده که در زمان ناصرالدین شاه در نزدیکی ساختمان سفارت روس در شمال ارگ، ساختمان دارالفنون احداث شد. در وسط این ساختمان مستطیل شکل، حیاطی وسیع با یک حوض بزرگ قرار داشت و در اطراف آن حدود چهل اطاق به‌عنوان کلاس درس بنا کردند.^۲



تصویر ۱۰: میدان ارگ تهران

تصویر ۹: سبزه میدان، میدان اصلی شهر تهران در دوره قاجار

۲. منازل

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، نقشه‌کشی، پیاده‌کردن نقشه، پی‌ریزی، مصالح و شکل منازل در بیشتر شهرهای ایران، به‌جز تبریز و تهران - که اولی زودتر و دومی دیرتر دست‌خوش تغییراتی به سبک اروپایی در شیوه ساخت منازل شدند - همچنان بر همان سیاق سابق بود. خانه‌ها را شبیه به هم می‌ساختند و فقط از لحاظ اندازه و ارتفاع با همدیگر تفاوت داشته‌اند. در پی ساختمان که نیم متر حفر می‌شده، کمتر گل و آهک مخلوط می‌کرده‌اند و طبیعی می‌نماید که به‌علت نفوذ رطوبت به پایه‌ها - که هم از طریق جوی‌های جاری در کوچه‌های تنگ و هم از طریق ریزش باران همیشه امکان مرطوب شدن را داشته‌اند - طولی نمی‌کشیده که خانه از پای‌بست ویران می‌شده است. شکل بنا غالباً در خانه فقرا یک‌طبقه و در خانه اعیان دو طبقه بوده است. مصالح

۱. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۸۰.

۲. همان، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.

مورد استفاده همچنان خشت خام بوده و کمتر از آجر استفاده می‌شده، مگر در خانه اعیان و اشراف. بیرون خانه‌ها را با ملاط گل‌اندود و داخل خانه را با گچ سپید اندود می‌کرده‌اند. حیاط منزل مستطیل‌شکل و در اطراف آنها اتاق‌هایی تعبیه شده بود که حیاط را محصور می‌کردند. دروازه خانه بیش از دو متر ارتفاع نداشته و با درهای چوبی محافظت می‌شده است. بام خانه‌ها را با چوب و خاک مسقف می‌کرده‌اند و لایه‌ای از ملاط کاهگل بر روی آنها می‌مالیده‌اند. خانه‌ها پنجره‌ای رو به کوچه نداشته و اغلب از داخل حیاط نور می‌گرفته‌اند. در اثر باران‌های زمستانی گاه سقف‌ها و دیوارهای بناهای خشت و گلی بر سر ساکنین و حیوانات فرو می‌ریخت، اصطبل‌ها خراب می‌شد و حتی گاه بخشی از سقف بازارها بر سر دکان‌دارها پایین می‌آمد و تلفات بسیار وارد می‌کرد.^۱ توصیف فوق از سوی سیاحان در مورد بسیاری از شهرهای ایران به کار گرفته شده است. در واقع سیاحان تفاوت‌های کمی در ساخت بنای منازل در ایران بیان داشته‌اند. اما آنچه که به عنوان تغییر، و آن هم به صورت جزئی، می‌توان از آن یاد کرد، تغییرهایی بود که ابتدا در تبریز^۲ و سپس در تهران^۳ در شکل منازل و قراردادن پنجره‌هایی رو به کوچه به سبک اروپا و متأثر از منازل اروپاییان ساکن در ایران، در این دو شهر روی داد.

۳. شبکه آبرسانی و دفع فاضلاب

امور آب و فاضلاب در زندگی شهری بسیار حائز اهمیت است و شهرها بدون وجود آبرسانی کافی - سواى سالم یا ناسالم بودن آب - نه توان احداث شدن و نه امکان گسترده شدن را دارند. شهرهای اوایل عصر قاجار، بنابر پراکندگی جغرافیایی آنها در اقلیم‌های گوناگون، از شیوه متفاوت آبرسانی به داخل شهر و دفع فاضلاب به بیرون شهر استفاده می‌کرده‌اند. آب شرب تهران مثل غالب شهرهای دیگر ایران از قنات بوده و تمام آن از دامنه البرز می‌آمده است. در زمان فووریه، دهانه‌های چاه‌های این قنات در تمام جلگه بیرون شهر مخصوصاً در بیرون دروازه‌های شمیران و دوشان تپه نمایان بوده است.^۴ در اغلب شهرها آب را به واسطه کاریز و جوی‌هایی به داخل شهرها هدایت می‌کردند و پس از عبور از میان جوی‌های باریک، گاه سر باز و گاه سر پوشیده، در

۱. پولاک، سفرنامه پولاک، ص ۶۰؛ سرنا، سفرنامه کارلا سرنا، ص ۴۴؛ گوینو، نامه‌های ایرانی، ص ۹۶؛ دیولافوا،

سفرنامه مادام دیولافوا، ص ۵۸؛ فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۳۲.

۲. شیل، خاطرات لیدی شیل، ص ۲۸.

۳. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۶۰۴؛ دیولافوا، سفرنامه مادام دیولافوا، ص ۱۹۳.

۴. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۴۰.

کوچه و خیابان جاری گشته و هر منزل یک شاخه از آن را به داخل حیاط می‌کشید.^۱ جوی‌هایی که آب را به داخل شهر و منازل می‌بردند، آب‌های باران و فاضلاب‌هایی را که از شستن پدید می‌آمده و داخل کوچه سرازیر می‌شدند نیز با خود به اطراف منتقل می‌کردند. در اثر وضعیت نامناسب توزیع آب از طریق مجاری روباز - کثافات کوچه و راه از همان جا داخل آب می‌شد و بیشتر اوقات، مردم اشیاء آلوده خود را هم در آنجا می‌شستند - هر از گاه بعضی از امراض به سرعت تمام شهر را دربر می‌گرفت و ابتلای عمومی پدید می‌آمد.^۲ در بعضی از نقاط کشور، مردمان از آب چاه‌هایی که خود در منازل حفر می‌کردند، استفاده می‌نمودند. در تابستان، مردمان شهر برای رفع عطش و خنک کردن آب، از یخ‌هایی^۳ که از نقاط سردسیر و مرتفع می‌آوردند استفاده می‌کردند. در بسیاری از شهرها برای این منظور، مکان‌هایی به نام «آب‌انبار»^۴ یا «یخچال»^۵ می‌ساختند، مرکب از یک اتاق در گودی با سایه‌بانی در زیرزمین که از یک طرف آب به آن وارد می‌شده و به‌خاطر عدم تابش نور خورشید به این مکان، آب آن همواره خنک و قابل شرب بوده است.

در شهرها برای لوله‌کشی آب، از لوله‌هایی از گل پخته [تنبوشه] در ملاطی از گل رس استفاده می‌شد که پس از خشک‌شدن، به‌صورت پوشش نفوذناپذیری درمی‌آمد و سالیان دراز دوام می‌آورد.^۶ به‌واسطه چنین شبکه لوله‌کشی، بسیاری از شهرها از آب آشامیدنی برخوردار شدند. بنابر گزارشی، هیچ نقشه‌ای در مورد آبرسانی شهر وجود نداشت. تقریباً چهل قنات، آب را از تپه‌های اطراف به تهران می‌آوردند. طول آنها از ۷ تا ۱۳ کیلومتر و عمق آنها با توجه به ناهمواری زمین تغییر می‌کرد. در بیشتر قنات، آب چاه و در بعضی از آنها آب رودخانه جریان داشت. میزان آب ثابت نبود. در بهار و زمستان آب قنات زیاد، ولی در تابستان کم می‌شد. به همین دلیل در منازل، آب‌انبار برای ذخیره نمودن آب وجود داشت.^۷

۱. همان، ص ۱۶۵ و ۲۳۰؛ چریکف، سیاحتنامه مسیو چریکف، ص ۸۵.

۲. فورویه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۳۰؛ اولیویه، سفرنامه اولیویه، ص ۷۰.

۳. اولیویه، سفرنامه اولیویه، ص ۷۰.

۴. فلاندن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ص ۹۰.

۵. فورویه، سه سال در دربار ایران، ص ۲۳۰.

۶. دروویل، سفرنامه دروویل، ص ۵۱.

۷. گیلومر، گزارش بررسی شرایط صحیه در مملکت ایران، ص ۷۹ - ۷۶.



تصویر ۱۱: نظام آبرسانی شهر تهران در دوره قاجار

نتیجه

ظهور عصر قاجار که نه توانست به تمامی نویدبخش یک حکومت متمرکز دولتی باشد و نه مانند حکومت‌های ایلی پیش از خود نقش یک حکومت ممتاز با مشخصه ملوک‌الطوایفی را به‌درستی ایفا کرد، کشور را به اجبار در مدار ارتباط با دول اروپایی و عناصر تمدنی ناشی از انقلاب صنعتی آنها قرار داد؛ بدین‌سان شالوده ورود ایران به مناسبات بی‌برنامه جهانی را مهیا ساخت. در این مناسبات، ایران تا آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه یک جامعه کاملاً سنتی با اندکی تغییر در عناصر کالبدی خود که همواره منطبق بر شرایط واقعی آن بوده است، جلوه می‌کند. با روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه، دوره جدیدی در تاریخ قاجاریه آغاز می‌گردد و عواملی چند فضای کالبدی معماری ایرانی - اسلامی را متأثر نموده و تغییراتی را در آن پدید آورد. مشاهده عینی جامعه غرب از سوی شاه قاجار، یکی از این عوامل بود. با مسافرت شاه به اروپا و مشاهده تمدن جدید غرب که متناسب با شرایط خود، منتج به دستاوردهای نوینی برای جامعه صنعتی شده بود، اقدامات اصلاحی آغاز شد که همانند دیگر اقدامات، منشأ خارج از بطن جامعه شهری داشت و تنها با عاریه گرفتن عناصر غربی بدون داشتن زمینه‌های الزامی و نیز عدم توجه به پذیرش این عناصر از سوی جامعه سنتی شهری به اجرا درآمد. ایجاد مؤسسات جدید تمدنی در کشور در این دوره یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات فضای کالبدی معماری شهری بود. در این دوره، ساختمان‌های تلگراف‌خانه، پست، بانک، کنسول‌گری، شبکه آبرسانی و غیره در کنار سایر بناهای قدیمی، فضای کالبدی شهر ایرانی را متفاوت از شهر سنتی شکل داد. تغییر در برخی از سازه‌های قدیمی و فضای کالبدی شهر از دیگر عواملی بود که به این تغییرات دامن زد. عصر ناصری به لحاظ کالبدی، برج و باروی شهرها - خصوصاً اطراف تهران - را در برخی از مواضع تخریب کرده و بدین‌سان بر گستره کالبدی شهر افزود؛ بازار دوباره توسعه یافت، خیابان‌های تازه‌ای کشیده شد،

چندین هتل و مسافرخانه به سبک اروپایی چه توسط دربار و چه توسط خارجی‌های مقیم ایران، ساخته شد. موزه‌ای در دارالعماره ایجاد شد و چندین شعبه بانک خارجی دایر گردید. به تدریج فعالیت اروپاییان در بازار ایران و تمامی پایه‌های اقتصادی شکل مشهودتری به خود گرفت. ادامه چنین تطوری با فروپاشی بازار و زوال قدرت اقتصادی آن، آستانه ورود ایران به عرصه جهانی را میسر ساخت و به تبع آن، تأثیرپذیری از فرهنگ و عناصر غربی در شهرسازی دوران پس از خود را به ثبوت رساند. تغییرات پدیدآمده در این دوره، به شکل محتوایی، ارکان سنتی شهرسازی ایرانی - اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داد. این روند سرانجام منجر به تقابل و فروپاشی نهادهای قدیمی و تاریخی شهر که به نوعی هویت و شناسنامه شهری محسوب می‌شدند، گردید و نوعی معماری متأثر از فرهنگ غرب را شکل داد که با معماری سنتی ایرانی - اسلامی متفاوت بود. هرچند در دوره ناصری، فرهنگ ایرانی - اسلامی همچنان در کنار مظاهر برآمده از غرب در معماری (نوعی معماری تلفیقی) تداوم داشت، اما ادامه این روند در دوره پس از قاجاریه به دگرگونی چشمگیری در محتوا و فضای کالبدی شهرسازی ایران منجر شد و نوعی انقطاع تاریخی را در این زمینه پدید آورد.

منابع و مأخذ

۱. اشرف، احمد، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، ۱۳۵۳، ش ۴، ص ۴۹-۷.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *المآثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳.
۳. اورسل، ارنست، *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۵۳.
۴. اولیویه، گیوم آنتوان، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱.
۵. براون، ادوارد، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، اختران، ۱۳۸۷.
۶. بروگش، هینریش، *سفری به دربار سلطان صاحبقران (۱۸۶۱ - ۱۸۵۹)*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران، اطلاعات، چاپ ۳، ۱۳۸۹.

- ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی عصر ناصری از منظر سیاحان غربی ... □ ۱۴۷
۷. پولاک، یاکوب ادوارد، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۰.
۸. چریکف، *سیاحتنامه مسیو چریکف*، ترجمه آبگار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۹. دروویل، گاسپار، *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۸۷.
۱۰. دیولافوا، ژان، *سفرنامه مادام دیولافوا*، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۹۰.
۱۱. رضوی، ابوالفضل، *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلیخانان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۱۲. سرنا، کارلا، *سفرنامه کارلا سرنا (مردم و دیدنی‌های ایران)*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نو، ۱۳۶۳.
۱۳. سلطانزاده، حسین، *روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران*، تهران، آگاه، ۱۳۶۲.
۱۴. شیعه، اسماعیل، *با شهر و منطقه در ایران*، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۶۸.
۱۵. شیل، ماری، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نو، ۱۳۶۲.
۱۶. عثمان، محمد عبدالستار، *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۱۷. فلامکی، منصور، «سهم فضای معماری در زندگی سنتی ایران»، *مجموعه مقالات اولین سمینار مرمت بناها و شهرهای تاریخی*، تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۵۰.
۱۸. فلاندن، اوژن، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، اشراقی، چاپ ۳، ۲۵۳۶.
۱۹. فوریه، ژوآنس، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ ۲، ۱۳۸۹.
۲۰. کرزن، جورج ناتانیل، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
۲۱. کورف، بارون فیودور، *سفرنامه بارون فیودور کورف (۱۸۳۵ - ۱۸۳۴)*، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، فکر روز، ۱۳۷۲.

۲۲. گوینو، کنت دو، *نامه‌های ایرانی*، ترجمه عدرا غفاری، تهران، ثقفی، ۱۳۴۱.
۲۳. گیلر، جان، *گزارش بررسی شرایط صحیه در مملکت ایران*، ترجمه محمدعلی فقیه، تهران، مجموعه درچنته بهروز، ۱۳۵۴.
۲۴. مارکام، کلمنت، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه میرزارحیم فرزانه، به کوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران، ۱۳۶۴.
۲۵. منصوری، کاوه و فرامرزی پارسا و نگار بدری، «بررسی نظام اجتماعی در شهرهای ایران و تبیین جایگاه محلات به مثابه نظام اجتماعی شکل دهنده به شهر قاجاری»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی*، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ۱۳۹۰، ص ۹۹۴ - ۹۶۹.
۲۶. موریه، جیمز، *سفرنامه جیمز موریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران، توس، ۱۳۸۶.
۲۷. موزر، هنری، *سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)*، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، تهران، سحر، ۲۵۳۶ = ۱۳۵۶.
۲۸. همبلی، گاوین، «شهر سنتی ایران در دوره قاجاریه»، *تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجاریه*، زیر نظر پیتر آوری، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی، ۱۳۸۷.
۲۹. وامبری، آرمین، *زندگی و سفرهای وامبری (دنباله سیاحت درویش دروغین)*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
۳۰. ویلز، چارلز جیمز، *سفرنامه دکتر ویلز (ایران در یک قرن پیش)*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، اقبال، ۱۳۸۶.
۳۱. یوسفی‌فر، شهرام، *جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۳۲. یوسفی‌فر، شهرام، *شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.